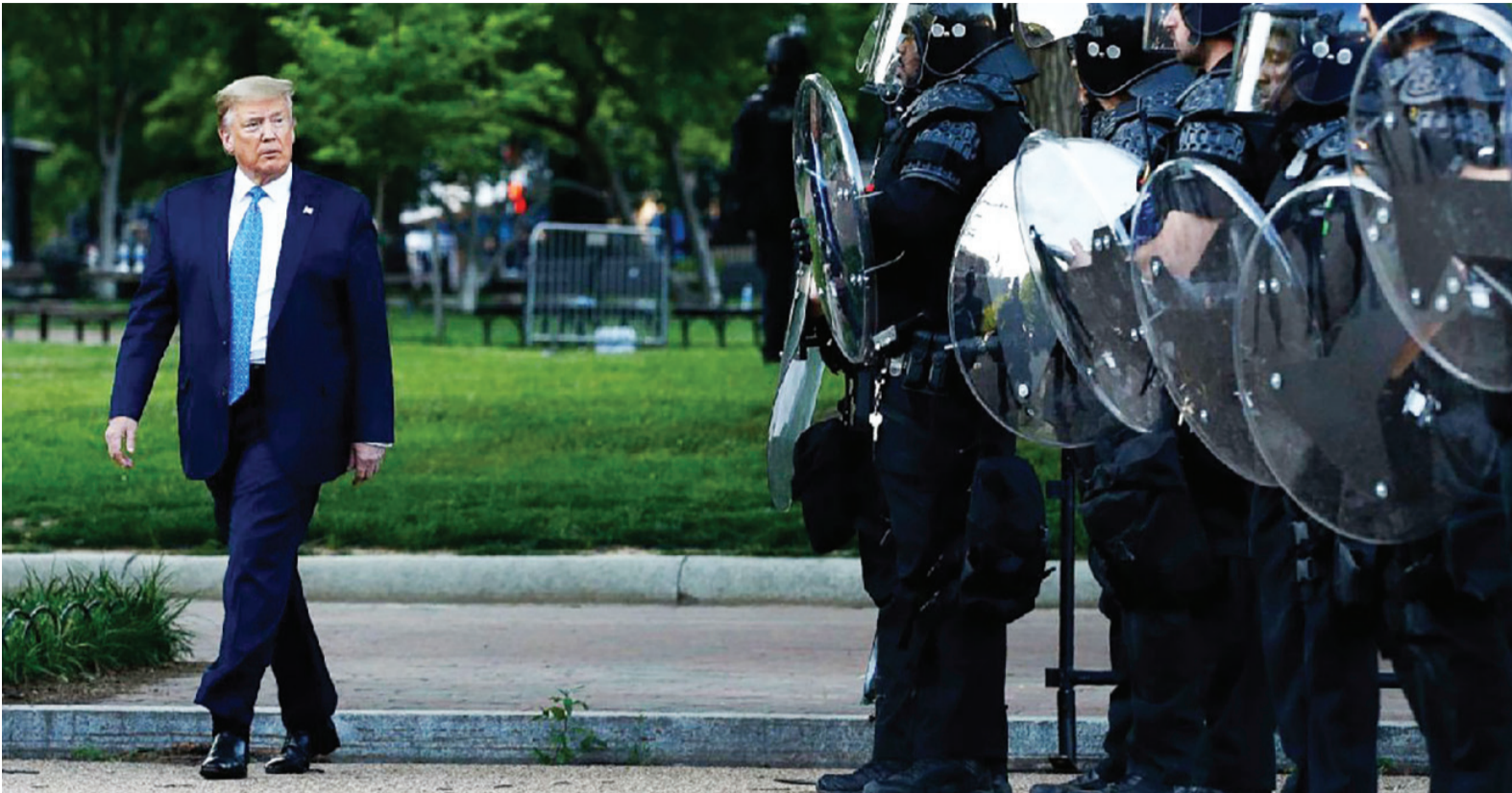


دموکرات‌ها نگران استفاده ترامپ از نیروهای مسلح در سیاست داخلی‌اند

ترامپ گشتاپو می‌خواهد نه ارتش



«**خالص‌سازی**» یا «**خالص‌سازی در خالص‌سازی**» خالص‌سازی» صورت‌گرفته در آمریکا عمق بیشتری از ظاهر جمهوری‌خواهش دارد؛ این پدیده خالص‌سازی در خالص‌سازی بوده است. نه‌تنها مجلس نمایندگان، مجلس سنا و کاخ سفید در اختیار جمهوری‌خواهان قرار گرفته، بلکه ضد ترامپ‌ها نیز از حزب پاکسازی شده‌اند تا این حزب یکدست در اختیار رئیس‌جمهور منتخب قرار بگیرد.

اگر حزب جمهوری‌خواه متهم بود که در حال تغییر به یک فرقه است و پیروی از یک شخص را قبول کرده است، این پروژه تکمیل‌شده و حزب به یکی از دراپی‌های ترامپ تبدیل شده‌است. اگر «ایلان ماسک»، مالک شرکت ایکس و تسلاست، ترامپ هم علاوه بر یح و املاکش، صاحب یک حزب شده‌است، چندین‌زدن ترامپ بر تمام ارکان آمریکا بدون موقتت دولت عمیق آمریکا ممکن نیست و این دولت احتمالاً با محاسباتی پروژه، «خالص‌سازی در خالص‌سازی» را اجرا کرده تا بتواند دستورکارهای بزرگی را اجرایی کند. دولت عمیق آمریکا که متأثر از آنگلوپروتستان‌ها یا سفیدپروتستان‌ها نیست، نگرانی زیادی نسبت به تغییر نژادی دارد. لاتین‌تباران رنگین‌پوست و کاتولیک مذهب، رقابتی تاریخی با آنگلوپروتستان‌ها دارند.

جریان فزاینده مهاجرت لاتین‌تباران از آمریکای لاتین به خاک آمریکا که توسط رهبران و سران این جامعه تحریک و تسهیل می‌شود، می‌تواند طی دهه‌های آتی نسبت جمعیتی سفیدپوستان پروتستان در آمریکا را به زیر ۵۰ درصد برساند. ترامپ به نمایندگی از دولت عمیق مأموریت دارد ۱۲ میلیون مهاجر غیرقانونی عمدتاً لاتین‌تبار حاضر در خاک آمریکا را اخراج کند. پیش‌بینی شده‌است این اقدام ۳۰۰ میلیارد دلارآب خواهد خورد. او همچنین باید مرزها را مکزیک را به طور مؤثری مسدود کند تا جریان مهاجرت متوقف یا دست‌کم به شدت تضعیف شود.

مأموریت بعدی ترامپ، تضعیف حزب دموکرات است. این حزب به محل تجمع اقلیت‌هایی تبدیل شده که در تضاد با منافع آنگلوساکسون‌ها عمل می‌کنند. جویابیدن رئیس‌جمهور کنونی آمریکا یک ایرلندی تبار کاتولیک مذهب است. معاون او نیز یک رنگین‌پوست است. پیش از این نیز اوپامای سیاه‌پوست رئیس‌جمهور دموکرات‌ها بود و بایدن معاونش را برعهده داشت؛ هرچند هریس و اوپاما پروتستان‌اند، اما سفیدپوست نیستند.

روی کارآمدن ترامپ واکنش شدید آنگلوپروتستان‌ها به این وضعیت بود. به نظر می‌رسد او این بار ضربه‌ای محکم به حزب دموکرات وارد کند. ترامپ در قالب رقابت‌های انتخاباتی موفق شده ضریباتش را به قاعده‌طرف‌داران حزب وارد کند و احتمالاً سطح برخورد با این حزب را بیش از این افزایش خواهد داد. ترامپ از انتخابات ۲۰۱۶ سفیدپوستان اقلتار پایین دست را از حزب دموکرات جدا کرد و در انتخابات ۲۰۲۰ این کار را با نیمی از لاتین‌تباران انجام داد. رئیس‌جمهور منتخب با استقرار در دولت، احتمالاً دست به سرکوب سران حزب دموکرات خواهد زد تا بتواند «کف» و «راس» حزب را توأمان درهم بکوبد. بر همین اساس بسیاری نسبت به کینه‌توزی و انتقام‌جویی سیاسی ترامپ هشدار داده‌اند؛ به‌ویژه که او در دوران نخست ریاست جمهوری‌اش و همچنین دوره انتظار چهارساله اخیر، به شدت توسط دادگاه‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفت.



گسست این وضعیت شود. ترامپ طرفدار تشدید اوضاع در برابر روسیه یا کره شمالی نیست و بیشتر بر چین و ایران تمرکز دارد؛ درحالی‌که دموکرات‌ها در دوره بایدن نشان دادند از تشدید در تمامی عرصه‌ها حمایت می‌کنند. واشنگتن‌نشینان امیدوارند ترامپ بتواند با آرام کردن روسیه و کره شمالی، روند فزاینده همگرایی این دو با چین و ایران را متوقف یا حداقل کاهش دهد. ماموریت دیگر ترامپ ایجاد رعب و هراس در یکن و تهران است تا این دو در پیگیری سیاست‌های خود مردد شوند.

یکجانبه‌گرایی داخلی؛ آسان‌تر از دیپروز

قدرتی ترامپ که به یکجانبه‌گرایی سیاسی او منجر شده‌است، همانند سیاست خارجی در فضای سیاست داخلی آمریکا نیز همواره وجود داشته‌است. ترامپ در دولت اول خود با تمجید از ریاست جمهوری ما دام‌العمر در چین و یات‌حسین «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه که طی سال‌های اخیر همواره قدرت را در دست داشته‌است، تئویحاً خواهان تمدید دولت‌ها در دوران حکومت خود بود. اقدام دیگر ترامپ، سوءاستفاده از موقعیت پیش آمده در دوران ریاست جمهوری‌اش برای انتخاب قضات محافظه‌کار برای عضویت در دیوان عالی بود. این کار باعث شد تا ۶ عضو از ۹ عضو دیوان، محافظه‌کاران نزدیک به حزب جمهوری‌خواه باشند. ترامپ در سال ۲۰۲۰ و در جریان شورش‌های مرتبط با قتل «جورج فلوید»، شهروند سیاه‌پوست آمریکایی توسط پلیس، خواهان استقرار نیروهای ارتش در خیابان‌ها شد. او حتی یک راهپیمایی نظامی همراه با «مارک میلی» رئیس‌ستاد ارتش برای بازید از خیابان‌های محل شورش در پایتخت انجام داد که مورد انتقاد قرار گرفت. میلی هرچند با دستورات ترامپ مخالفت داشت، اما در قضیه مزبور توسط ترامپ مورد سوءاستفاده قرار گرفت تا اعتبارش خدشه‌دار شود. اوج یکجانبه‌گرایی ترامپ در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ بود. در حین برگزاری جلسه تأیید نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ در کنگره، هزاران نفر از طرفداران او این ساختمان را اشغال کردند. در صحنه‌های حیرت‌آور، اعضای مجلس نمایندگان، سناتورها و «مایک پنس»، معاون رئیس‌جمهور که هم‌زمان ریاست مجلس سنا و جلسه درحال برگزاری را برعهده داشت، گریختند تا در دست‌طرف‌داران ترامپ گرفتار یا کشته نشوند. در آن برهه علاوه بر معاون ترامپ که جانشین وی تلقی می‌شد، وزیر دفاع و وزیر دادگستری وقت نیز مخالف رئیس‌جمهور بودند. در دوره کنونی دیگر یاران قدیمی با ترامپ نیستند و کنار گذاشته شده‌اند. در دولت نخست وی، جمهوری‌خواهان قدرتمند در داخل دولت و کنگره وی را مهار می‌کردند اما امروز هیچ‌کدام نه در تیم و کابینه ترامپ و نه حتی در کنگره قدرتی ندارند.

ترامپ که پیشترین مخالفت‌ها با خود در حزب جمهوری‌خواه را از نمایندگان این حزب در کنگره شاهد بود، طی چهار سال اخیر با اخراج و منزوی ساختن مخالفان از ساختار جمهوری‌خواهان در کنگره، موفق شد بر آن‌ها سیطره یابد. با «بله قربان‌گو‌ها» تجمیع کرده در تیم دولتی ترامپ و جمهوری‌خواهان کنگره، رئیس‌جمهور منتخب راه دشواری برای در پیش گرفتن یکجانبه‌گرایی در سیاست داخلی نخواهد داشت. اساساً او حزب را برای همین کار پاکسازی و یکدست کرده‌است.

خود هم با مشکلاتی روبه‌روست. چینی‌ها اقتصاد خود را تقویت کرده و درصدد رشد نسبت مصرف کالا در داخل به صادرات برآمده‌اند تا وابسته به صادرات نباشند. این کشور همچنین با رونمایی از جنگنده نسل پنجم جی-۲۰ و تولید ده‌ها فروند از آن، فاصله‌اش را با قدرت‌هوایی آمریکا کم کرده‌است.

چینی‌ها هم‌زمان با توسعه بمب افکن‌های پیشرفته و به‌کارگیری ناوهای هواپیمابر، توانایی خود برای هموردی با آمریکایی‌ها را تقویت می‌کنند. در موضوع روسیه، این کشور طی سه سال رویارویی نظامی باناتو در اوکراین ضرباتی دریافت‌کرده‌است در مقابل، ضربات بزرگی نیز بر پیکره این سازمان وارد کرده‌است. غرب برای کمک به اوکراین ده‌ها میلیارد دلار اختصاص داد که نقش بزرگی در کاهش توانمندی‌اش برای کمک به صهیونیست‌ها داشت. تنها آمریکا ۱۸۰ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده درحالی‌که طی یک سال جنگ طوفان الاقصی، ۲۳ میلیارد دلار کمک در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده‌است.

اگر جنگ اوکراین نبود آمریکا می‌توانست تعداد بیشتری سامانه‌های پدافند موشکی پاتریوت، ماشین‌های زرهی و دیگر ادوات را برای صهیونیست‌ها ارسال کند. هزینه‌های جنگ برای تل‌آویو تاکنون بین ۷۰ تا ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده‌است. این هزینه باعث شده صهیونیست‌ها مشکلات اقتصادی بزرگی مواجه شوند که صفر شدن نرخ رشد اقتصادی‌شان یکی از تبعات آن است. اگر آمریکا و اروپا مجبور نبودند طی سه سال گذشته ده‌ها میلیارد دلار کمک برای تقویت مالی دولت اوکراین و پرداخت حقوق کارکنانش هزینه کنند، رژیم با دریافت کلان، با چنین بحرانی مواجه نمی‌شد.

حمله روسیه به اوکراین، ماشین جنگی غرب را سرکوب کرده، توان مالی‌اش را کاهش داد و آن را در دیگر مناطق مانند غرب آسیا تضعیف کرد.

ترامپ در رویارویی با ایران نیز قادر به تکرار گذشته نیست. به لحاظ سیاسی، تهران روابط خود را با همسایگان بهبود بخشیده و واشنگتن به‌راحتی نمی‌تواند سیاست فشار حداکثری خود را اعمال کند. بدون همکاری مؤثر همسایگان ایران، فشار حداکثری راه به جایی نخواهد برد.

از نظر اقتصادی نیز در وضعیتی که نفت روسیه به دشواری صادر می‌شود و اروپا تمایلی به تقویت اقتصادی مسکو از طریق خرید انرژی‌اش ندارد، تحریم انرژی ایران کار آسانی نیست.

در موضوع هسته‌ای زمانی که ترامپ روی کارآمد به دلیل اجرای برجام میزان غنی‌سازی ایران بسیار محدود بود. ترامپ سال دوم ریاست جمهوری‌اش از توافق هسته‌ای خارج شد و یک سال پس از آن بود که ایران تعدیل تعهداتش را شروع کرد. در نتیجه هنگامی که ترامپ از کاخ سفید خارج شد هنوز ابعاد برنامه هسته‌ای ایران گسترش زیادی پیدا نکرده بود. امروز اما میزان غنی‌سازی به ۶۰ درصد رسیده‌است و گفته می‌شود ایران طی چند ماه می‌تواند بیشتر از ۱۲ کلاهک تولید کند. تهران همچنین دو حمله مستقیم به سرزمین‌های اشغالی انجام داده که بنابر نقل‌های مختلف حداقل ۲۰۰ و حداکثر ۵۲۰ موشک بالستیک در آن‌ها استفاده شده‌است. یکجانبه‌گرایی در دوره‌ای که ابعاد قدرت رقبای دشمنان آمریکا گسترش یافته و آن‌ها بر میزان همکاری با یکدیگر هم افزوده‌اند، سم مهلکی برای واشنگتن است. با این حال به نظر می‌رسد دولت عمیق آمریکا اینگونه جمع‌بندی کرده که با روی کارآوردن ترامپ می‌تواند باعث



داس و چکش که نماد کشاورزان و کارگران بود در پرچم اتحاد جماهیر شوروی حک شد تا نشان دهنده حمایت این حکومت از ضعیفان باشد، اما رفتارهای بعدی این اتحاد نشان داد آن‌ها داغ و درفش بوده‌اند؛ کمونیست‌ها در داخل و خارج روسیه و شوروی کشندند و سرکوب کردند. پس از سال‌ها، این باروج استالین یکی از خطرناک‌ترین رهبران شوروی سابق، در جسم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا حلول کرده‌است. در همین راستا پایگاه خبری-تحلیلی هیل گزارش کرده اظهارات ترامپ درمورد استفاده از ارتش علیه آنچه‌که وی «دشمن داخلی» خواند، سبب نگرانی‌های فزاینده در حزب دموکرات شده‌است. به گزارش ایرنا به نقل از هیل، ترامپ در اواخر ماه اکتبر (اوایل آبان‌ماه)، پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مصاحبه‌ای با شبکه خبری فاکس، دشمنان داخلی را خطرناک‌تر از دشمنان خارجی توصیف کرده بود؛ ادعایی که زمینه‌سازی برای ارضاب رقبای انتخاباتی و مشروعیت‌بخشی برای سرکوب آتی آنان بود.

ترامپ در این مصاحبه خواهان استفاده از گارد ملی و ارتش برای مقابله با دیوانه‌های چپ رادیکال شده بود؛ لقبی که او برای حزب دموکرات استفاده می‌کند. آدام اسمیت، عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا هشدار داده نگران استقرار نیروهای ارتش در داخل کشور علیه مردم است. او انتخاب پیت هگست، مجری افراطی شبکه خبری فاکس به سمت وزارت دفاع را نشانه‌ای از احتمال عملی شدن این موضوع می‌داند. پیش از این و در دولت اول ترامپ، مارک اسپرو وزیر دفاع او در برابر دستورات رئیس‌جمهور برای استقرار در خیابان‌ها ایستادگی کرده بود. اسمیت می‌گوید: «بسیاری از افرادی که در پنتاگون و یا در ارتش کار کرده‌اند، در طول دوران فعالیت حرفه‌ای تعهد قاطع خود را ابراز کرده‌اند! اجرای قانون بر عهده ارتش نیست.» ترامپ که بسیاری از قواعد را زیر پا گذاشته و از خطوط قرمز عبور کرده‌است، اهمیتی برای رویه مرسوم در ارتش قائل نیست؛ او فقط فرمانبرداری می‌خواهد چه از ارتش و چه غیر آن. ترامپ یکجانبه‌گراست که با اعمال زور حداکثری و قدرتی می‌کوشد سیاست‌هایش را اجرا کند. در دوره اول ریاست جمهوری او اقدامات یکجانبه‌گرایانه‌وی در سیاست خارجی نمود بیشتری از یکجانبه‌گرایی‌های داخلی‌اش یافت، اما به نظر می‌رسد در دولت دوم موضوع تا حد زیادی فرق کرده باشد.

یکجانبه‌گرایی خارجی؛ دشوارتر از قبل

شرایط‌ریای یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی همانند سال ۲۰۱۷ که ترامپ وارد کاخ سفید شد و نخستین روزهای ۲۰۲۱ که آن‌جا ارتز کرد، نیست. یکجانبه‌گرایی ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری‌اش تقریباً بدون استثنا بود و تمام دولت‌های دشمن، رقیب و متحد را در برگرفت. برای فهم این موضوع باید به تفاوت شرایط کنونی و دوره قبل نسبت به هرکدام از دولت‌ها و مجموعه‌ها پرداخت.

در این میان نکاتی عمومی هم وجود دارند؛ اولین مورد عدم غافلگیری است. در دوره قبل تقریباً تمام دولت‌ها از حرکات عجیب ترامپ و دولتش غافلگیر شدند. آن‌ها فکر نمی‌کردند دولت ترامپ از توافقنامه‌های بین‌المللی خارج شود، سازمان‌های بین‌المللی‌ای که خود آمریکا قوام بخشیده تضعیف کند و دست به جنگ تجاری بزند. او اما همه این اقدامات را انجام داد. در دولت دوم ترامپ دیگر کسی از اقدامات او، هرچه که باشند، شگفت‌زده نمی‌شود؛ آن‌ها انتظار انجام هرکاری را از ترامپ دارند.

موضوع دوم، تضعیف جدی هژمونی آمریکا است. حمله روسیه به اوکراین و حماس به رژیم صهیونیستی، درحالی‌که تهاجم به این دو خط قرمز آمریکا بود، نشانه‌هایی جدی از تضعیف قدرت این کشورند. واشنگتن علی‌رغم تلاش‌ها هنوز نتوانسته هیچ‌کدام از این دو جنگ را حل و فصل کند. جنگ در اوکراین از سال ۲۰۲۲ و جنگ در غزه از ۲۰۲۳ ییز وقفه جریان داشته‌اند.

سومین مورد که با تضعیف هژمونی آمریکا مرتبط است اما معنای متفاوتی نیز دارد، تشدید روند تکرر قدرت در جهان است. در سال ۲۰۲۳، در روزهای ۷ و ۸ اکتبر، این دو گروه و ۹ دولت بودند که به رژیم صهیونیستی حمله کردند. در ۷ اکتبر نیروهای حماس به منطقه صهیونیست‌نشین غلاف غزه حمله کرده و یک روز بعد در ۸ اکتبر، مقاومت لبنان هم حملاتش به نوار مرزی شمال فلسطین اشغالی را آغاز کرد. هم‌زمان دولت‌های اروپایی در حال تقویت قوای خودند و دولت‌های جهان درصدد تقویت قوای هسته‌ای برآمده‌اند. تقویت قوای هسته‌ای ایران، اوکراین، چین و کره شمالی در این راستا قابل ارزیابی‌اند. روند تکرر قدرت، با تقویت قدرت هر یک از دولت‌ها و همچنین توانمند شدن گروه‌ها در برابر دولت‌ها، باعث شده تا دیگر صحبت از هژمونی و اعمال آن به آسانی گذشته نباشد. عدم غافلگیری دولت‌ها از تحرکات ترامپ، تضعیف هژمونی آمریکا و تشدید روند تکرر قدرت در جهان عواملی‌اند که نمی‌گذارند دولت دوم ترامپ، با همان معنای دولت اولش تکرار شود. واشنگتن در برابر تک‌تک رقبای

سرنوشت مشابه روبیو و تیلرسون؟

ماجرای آزمون و خطای ترامپ

متحدان ما و یک جنگجوی بی‌باک خواهد بود که هرگز در برابر دشمنان ما عقب‌نشینی نمی‌کند.»

ترامپ این خبر را در حالی اعلام کرد که از دیدار با جو بایدن، رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا‌های واشنگتن به فلوریدا بازمی‌گشت. در حالی که برخی تحلیلگران مسائل سیاست خارجی آمریکا در حال سنجش جایگاه و وزن روبیو در کاخ سفیدند، برخی دیگر از زاویه‌ای متفاوت به این انتصاب می‌نگرند. همگان به یاد دارند که در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، وی یک مستر را به عنوان مشاور امنیت ملی و رکس تیلرسون را به عنوان وزیر امور خارجه منصوب کرد. با این حال پس از مدتی نسبتاً کوتاه، ترامپ هر دو گزینه را تغییر داد و جان بولتون و پمپئو را جایگزین آن‌ها کرد. برخی تحلیلگران مسائل سیاست داخلی و خارجی آمریکا معتقد بودند تا ابتدا، نگاهی ابرازگرایانه و کاملاً سیاست‌زده نسبت به انتصاب مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه خود داشت و صرفاً این اقدام را با هدف، راضی نگاه داشتن جمهوری‌خواهان سنتی در ماه‌های ابتدایی ریاست جمهوری خود صورت داد. اکنون نیز امکان دارد انتصاب مارکو روبیو از همین قاعده پیروی کند؛ به عبارت

بهرتر، امکان دارد ترامپ در آینده‌ای نزدیک، مثلاً حدود یک‌سال دیگر، روبیو را تحت تأثیر برخی بهانه‌جویی‌ها و مواضع وی، از قدرت برکنار ساخته و فرد دیگری را از جناح جمهوری‌خواهان سنتی، تی پارتی یا حتی نومحافظه‌کاران جایگزین وی سازد. بنابراین، نباید جایگاه روبیو را در مسند وزارت امور خارجه آمریکا دائمی (از اکنون تا سال ۲۰۲۸ میلادی) تصور کرد. در این صورت، شاهد صدور بی‌بانه‌ای از سوی ترامپ خواهیم بود که شباهتی با بیانه‌ی اخیر صادرشده توسط او ندارد.

روبیو و ترامپ حقه‌باز!

حقه‌باز لقبی بود که مارکو روبیو در سال ۲۰۱۶ میلادی و در رقابت‌های درون حزبی جمهوری‌خواهان به ترامپ داد. در آن زمان، روبیو رقیب ترامپ بود و بدترین مواضع انتخاباتی ممکن را در برابر او گرفت. در مقابل، ترامپ نیز روبیو را تحقیر کرده و او را «روبیو کوچولو» خطاب می‌کرد تا به نوعی، وزن سیاسی و انتخاباتی وی در برابر خود را به مخاطبان یادآور شود. روبیو تا آخرین لحظه در رقابت انتخابات درون حزبی سال ۲۰۱۶ باقی ماند. همین مسئله، نشان دهنده روحیات تند و لج‌اجت‌آمیز روبیو است. پس

از انتخابات درون حزبی جمهوری‌خواهان، روبیو به حمایت از ترامپ پرداخت و در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴ نیز از حامیان او بود. روبیو مدعی است تقابل شدید وی با ترامپ در انتخابات درون حزبی جمهوری‌خواهان موضوعی طبیعی بوده و نباید آن را بزرگ جلوه داد. در هر صورت، نمی‌توان تاریخ مصرف سیاسی روبیو برای کاخ سفید و ترامپ را از اکنون ۴ ساله قلمداد کرد؛ ممکن است سرنوشتی مانند تیلرسون، مک‌مستر و جان بولتون در انتظار روبیو باشد. فراموش نکنیم که با توجه به عدم امکان نامزدی مجدد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۸ میلادی (به‌علت حضور دو دوره‌ای وی در کاخ سفید)، قدرت ریسک‌پذیری وی در قبال اقداماتی مانند جابه‌جایی و برکناری اعضای دولت افزایش یافته‌است. بنابراین، اولین وزیر انتصابی ترامپ (مارکو روبیو)، می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور تبدیل به اولین وزیر برکنارشده دولت جدید آمریکا شود. شاید روبیو، بیش از وزیر، برای ترامپ در جایگاه نوعی جاده‌صاف‌کن یا ضربه‌گیر برای ماه‌های ابتدایی استقرار در کاخ سفید تعریف شده باشد. روبیو نیز دقیقاً نمی‌داند در اعماق ذهن رئیس‌جمهور جدید آمریکا چه می‌گذرد....